مقاله پژوهشی

بررسی نقش تعدیل گر سن ازدواج و جنسیت در رابطه‌ی بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی

دکتر سمیه آقامحمدی[1]، لیلا گنجی[2]

۱. دکترای تخصصی روان‌شناسی، استادیار دانشگاه، موسسه غیرانتفاعی آموزش عالی فیض الاسلام، ایران.

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد خمینی‌شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ششم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۰، صفحات ۱۸۲-۱۷۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل گری سن ازدواج و جنسیت در ارتباط بین عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی بود. بدین منظور، از بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر تعداد ۲۴۹ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس‌های عشق دلسوزانه، رضایت زناشویی و پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی با نظارت کامل پژوهشگر پاسخ دادند. درنهایت داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسه‌مراتبی تحلیل شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد ضریب همبستگی عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی به‌طور معناداری در افراد با سن ازدواج بالای ۱۵ سال بیشتر از سال‌های ابتدایی و اواسط ازدواج است (۰/۷۶، ۰/۰۰۱). همچنین یافته نشان داد که به‌طور معناداری همبستگی در مردان بیشتر از زنان است (۰/۸۰، ۰/۰۰۱). به‌طورکلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عشق دلسوزانه در زوج‌هایی با سن ازدواج بالای ۱۵ سال پیش‌بین قدرتمندی برای رضایت زناشویی است. همچنین این نتایج نشان داد که عشق دلسوزانه در مردان، موجب رضایت بیشتری از رابطه زناشویی می‌شود.

کلیدواژه: ازدواج، جنسیت، عشق دلسوزانه، رضایت زناشویی.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

مقدمه

عشق دلسوزانه[1] نوعی از انواع عشق است که شامل احساسات و شناخت و رفتارهایی است که بر مراقبت و نگرانی، دلسوزی و کمک و درک انسان‌ها به‌طور عام و شریک عشقی به‌طور خاص متمرکز است (کلارک و میلز[2] ۱۹۷۹، نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۵). عشق دلسوزانه نوعی ایثارگری است که حداقل در بعضی از انسان‌ها ذاتی است، برای مثال برخی از زنان نماد کامل این مفهوم هستند (ور[3]، ۲۰۲۰). این عشق شباهت زیادی به عشق کودک به مادرش دارد به این دلیل که اولویت او تداوم حیات است و هرکس برطرف‌کننده نیاز اوست، عشق و علاقه به او نثار خواهد کرد (آقامحمدی، ۱۳۹۵). رایس[4] (۲۰۱۰) معتقد است که عشق دلسوزانه در روابط زناشویی باعث می‌شود شریک عشقی احساس امنیت کند و این امر باعث افزایش علاقه در زوجین خواهد شد. به‌بیان‌دیگر اعتماد بین آن‌ها سبب می‌شود که فرد بدون هیچ چشم‌داشتی از همسر خود مراقبت کند و در جهت بهزیستی و خوشحالی وی بکوشد (رایس، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش فهر، هاراسیمکوک و اسپیچر[5] (۲۰۱۴) نشان داد که عشق دلسوزانه پیش‌بین نیرومندی برای رضایت از رابطه است. در این پژوهش ارتباط ساده‌ی بین عشق دلسوزانه و رضایت از رابطه بررسی شد و نتایج ارتباط محکمی بین آن دو هم در زنان و هم مردان نشان داد. همبستگی بالا بین نمرات مقیاس عشق دلسوزانه و نمرات رضایت از رابطه در پژوهش‌های دیگر نیز تأییدشده است (۵۲ درصد در نمونه‌ی زوج‌های عاشق در پژوهش فهر، هاراسیمچاک و گوریلوک[6]، ۲۰۱۰؛ ۶۲ درصد در نمونه‌ی زوج‌های ازدواج‌کرده در پژوهش فهر و اسپیریچر، ۲۰۱۳). همچنین همبستگی بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی در پژوهش رایس، مانیاسی و راگ[7] (۲۰۱۳) در مورد زوج‌های تازه ازدواج‌کرده به‌دست‌آمده است؛ بنابراین علیرغم اینکه عشق دلسوزانه یک احساس عمومی برای کل بشریت است، کسی که نمره‌ی بالایی در این مفهوم دارد، در روابط نزدیک خود، رضایت بالایی خواهد داشت. افرادی که عشق دلسوزانه دارند، در مواقعی که بحران احتمال جدایی در رابطه‌ای رخ می‌دهد، عشق دلسوزانه ناجی خوبی برای دوام رابطه است، به این صورت که این افراد، راهبردهای کاراتری برای ادامه‌ی رابطه ارائه می‌دهند (فهر و همکاران، ۲۰۱۴).

از طرف دیگر، بخشیدن، ایثار و مهربانی ماهیت جنس مؤنث است (تایلر[8]، ۲۰۰۶)، بنابراین انتظار می‌رود که عشق دلسوزانه به‌صورت طبیعی در زنان بالاتر از مردان باشد. واقعیت هم‌چنین است، نمرات مقیاس عشق دلسوزانه در مورد خانواده، دوستان و حتی غریبه‌ها در زنان بالاتر از مردان است (اسپیریچر و فهر، ۲۰۰۵؛ فهر و اسپیریچر، ۲۰۱۳). بااین‌حال، نتایج پژوهش‌های پیشین در مورد این عشق نشان داده‌اند که وجود عشق دلسوزانه در مورد شریک عشقی این تفاوت دیده نمی‌شود (فهر و همکاران،۲۰۱۰ و فهر و

[1] - compassion love
[2] - CIark g MiIIs
[3] - Weir
[4]- Reis
[5] - Fehr, Harasymchuk, & Sprecher
[6] - Gouriluk
[7] - Reis, Maniaci, & Rogge
[8] - Taylor

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

اسپیریچر، ۲۰۱۳). از طرفی، جنسن، روئر و والینگ[1] (۲۰۱۳) گزارش کردند که مردها وقتی احساس می‌کنند زنانشان نسبت به نیازهای آن‌ها حساس‌اند و آن‌ها را حمایت می‌کنند، از رابطه لذت زیادی می‌برند. نظریه‌پردازان عشق دلسوزانه (برای نمونه، آندروود، ۲۰۰۹؛ برشاید، ۲۰۱۰) معتقدند که عشق دلسوزانه با گذر زمان و افزایش سن ازدواج پایدارتر خواهد شد. بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه‌ی عشق دلسوزانه، با نمونه‌ی مسن و بزرگ‌سال انجام گرفته‌است. رابرت، وایس و دوبنسک[2] (۲۰۰۹) علت چنین نمونه‌گیری را کاهش شاخص‌های سلامت جسمی در بزرگسالان و درنتیجه نگرانی طرفین نسبت به‌سلامت یکدیگر می‌دانند زیرا عشق دلسوزانه یعنی بخشیدن و کمک کردن بدون انتظار بازگشت و این حالت در زمانی بیشترین بروز را دارد که یکی از طرفین دارای محدودیت در سلامت جسمی باشد (رابرت و همکاران، ۲۰۰۹). اهمیت وجود عشق دلسوزانه در یک رابطه‌ی زناشویی به این صورت است که زن و شوهر، رفاه و آسایش دیگری را بر رفاه و آسایش خود ترجیح می‌دهد (پاراگمنت و ماهونی[3]، ۲۰۰۵ و استافورد[4]، ۲۰۱۶)؛ بنابراین زوجی که با این دیگاه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، روابط رضایت‌بخش‌تری را تجربه خواهند کرد. این‌گونه رفتارهای مراقبت و نگرانی برای رفاه دیگری در زوجین مسن‌تر بیشتر به چشم می‌خورد (ور، ۲۰۲۰؛ هیگینز[5]، ۲۰۲۰). از طرفی، استانفورد، دیوید و مکفرسون[6] (۲۰۱۴) در پژوهش خود دریافتند که اگرچه ایثارگری ناشی از عشق دلسوزانه نقش مهمی دررسیدن به رضایت از ازدواج دارد، ولی ایثارگری بالاتر از یک حد معین (ایثارگری افراطی) در ابتدای رابطه‌ی زناشویی منجر به کاهش رضایت از رابطه می‌شود. در ایران نیز آقامحمدی (۱۳۹۵) با طراحی یک مدل مفهومی نشان داد که عشق دلسوزانه بدون متغیرهای میانجی، موجب کاهش رضایت زناشویی می‌شود ولی زمانی که متغیرهای دیگری این رابطه را میانجیگری می‌کند (مانند شاخص‌های سلامت خانواده و عشق مصاحبتی) این رابطه مثبت می‌شود. بر اساس وجود چنین تناقضاتی در رابطه بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی، پژوهش حاضر در پی بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای سن ازدواج و جنسیت در رابطه بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی است.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و از طریق روش همبستگی پیرسون و رگرسیون سلسه‌مراتبی موردبررسی قرارگرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان متأهل مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد خمینی‌شهر در سال ۹۷-۹۸ می‌باشد. نمونه آماری پژوهش موردنظر، ۲۴۹ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد خمینی‌شهر اعم از دو جنس زن و مرد که در مقطع کارشناسی سال ۹۷-۹۸ در حال تحصیل و به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. افراد نمونه شامل، ۷۷ نفر مرد (۳۰/۹) و ۱۷۲ نفر زن (۶۹/۱) بودند و میانگین سنی افراد گروه برابر با ۳۲/۶۵ (۹/۶۷) می‌باشد. با مراجعه به واحدهای مختلف دانشگاه که شامل دانشکده‌ها، سازمان مرکزی، کتابخانه مرکزی، آزمایشگاه‌ها و انتشارات است، ابتدا وضعیت تأهل دانشجویان موردبررسی قرار گرفت. سپس

[1] - Jensen, Rauer & Volling
[2] - Roberts, Wise, and DuBenske
[3] - Pargament & Mahoney
[4] - Stafford
[5] - Higgins
[6] - Stafford, David, & McPherson

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

اهداف پژوهش برای دانشجویان متأهل تشریح و رضایت آنان برای شرکت در این پژوهش جلب شد و پس‌ازآن پرسش‌نامه‌های پژوهش موردنظر در اختیار آنان قرارگرفته و با نظارت کامل پژوهشگران، پرسش‌نامه‌های مربوطه تکمیل و دریافت شد. پس از جمع‌آوری داده‌های پژوهش، برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده گردید. درروش توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و برای آزمون فرضیات پژوهش از روش تعدیل گری استفاده شد.

در پژوهش حاضر از ابزارهای خود گزارش دهی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده‌شده است.

الف) پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناسی.

ب) مقیاس عشق دلسوزانه[1]؛ این مقیاس ۲۱ گویه توسط اسپیریچر و فهر (۲۰۰۵) برای سنجش رفتارها، احساسات و افکار معطوف به عشق دلسوزانه تدوین‌شده است. پاسخگویی به این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس توسط اسپیریچر و فهر[2] ۸۵٪ گزارش‌شده است. پژوهشگران دریافتند این مقیاس از روایی مناسبی برای عشق دلسوزانه برخوردار است. در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۹٪ محاسبه و این نشان‌دهنده پایایی عالی برای این مقیاس است.

ج) مقیاس رضایت زناشویی: این مقیاس توسط رجبی (۱۳۸۸) برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های مشکل‌زا رضایت زناشویی تنظیم و دارای ۱۳ گویه می‌باشد که به‌صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای درجه‌بندی‌شده است. در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ محاسبه شد. این مقدار ضریب آلفای کرونباخ نشان‌دهنده پایایی عالی برای این مقیاس است. آماره‌های تو صیفی مربوط به متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی توزیع نمرات در جدل ۱-۴ آمده است.

یافته‌ها

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
طول مدت ازدواج (سال)	۸۹/۷	۹/۵۹	۱/۱۵۸	/۴۶۸۰
عشق دلسوزانه	۶۱/۳۱	۷/۷۷	-۱/۴۳۱	۲/۲۲۹
رضایت زناشویی	۴۶/۲۰	۷/۴۳	-۱/۳۱۱	۲/۰۳۹

برای بررسی نقش تعدیل گر طول مدت ازدواج در ارتباط بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی، ابتدا با استفاده از اطلاعات موجود در پیشینه پژوهشی و نظری، طول مدت ازدواج به سه دسته، شامل دسته (۱) تا دو سال، دسته (۲) از ۳ تا ۱۴ سال و دسته (۳) ۱۵ سال به بالا تقسیم شد. سپس همبستگی بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی در هر دسته محاسبه شد. جدول ۲-۴ این نتایج را نشان می‌دهد.

[1] Compassionate love Scale/CLS
[2] Speicher g Feher

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

جدول ۲. همبستگی پیرسون عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی به تفکیک سه دسته

دسته‌ها	همبستگی	تعداد نمونه	معناداری
تا دو سال (۱)	۰/۵۴	۷۹	۰/۰۰۱
۳ تا ۱۴ سال (۲)	۰/۷۳	۱۰۴	۰/۰۰۱
۱۵ به بالا (۳)	۰/۷۶	۶۶	۰/۰۰۱
کل	۰/۷۰	۲۴۹	۰/۰۰۱

جدول فوق نشان می‌دهد ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در سه دسته از طول مدت ازدواج متفاوت است. بیشترین ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی مربوط به افرادی است که بیش از ۱۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته است؛ درحالی‌که کمترین ضریب مربوط به افرادی است که تا ۲ سال از ازدواج آن‌ها گذشته است. برای بررسی معناداری تفاوت ضرایب همبستگی در سه دسته و بررسی نقش تعدیل گری سن ازدواج از آزمون z فیشر استفاده شد. این نتایج در جدول ۳ ارائه‌شده است.

جدول ۳. بررسی معناداری تفاوت ضرایب همبستگی به تفکیک سه دسته

	مقایسه ضرایب همبستگی دسته‌ها	اندازه z	معناداری
همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی	مقایسه دسته ۱ (تا دو سال) با دسته ۲ (۳ تا ۱۴ سال)	-۲/۱۴	۰/۰۱۶
	مقایسه دسته ۱ (تا دو سال) با دسته ۳ (۱۵ سال به بالا)	۲/۳۰	۰/۰۱۱
	مقایسه دسته ۲ (۳ تا ۱۴ سال) با دسته ۳ (۱۵ سال به بالا)	-۰/۴۲	۰/۳۳۷

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در افرادی که تازه ازدواج‌کرده‌اند (تا دو سال) به‌طور معناداری کوچک‌تر از این ضریب در افرادی دسته ۲ (۳-۱۴ سال) و دسته ۳ (۱۵ سال و بالاتر) است.

برای بررسی نقش تعدیل گر جنسیت در ارتباط بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی ابتدا ضرایب همبستگی بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی در زنان و مردان محاسبه شد. این نتایج در جدول ۴-۴ آمده است.

جدول۴. همبستگی پیرسون عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی به تفکیک جنسیت

جنسیت	همبستگی	تعداد نمونه	معناداری
مرد	۰/۸۰	۷۷	۰/۰۰۱
زن	۰/۶۶	۱۷۲	۰/۰۰۱
کل	۰/۷۰	۲۴۹	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در مردان بیشتر از زنان است. معناداری تفاوت ضرایب همبستگی در بین زنان و مردان با استفاده از آزمون z فیشر مشخص شد. این نتایج در جدول ۵ ارائه‌شده است.

جدول ۵. بررسی معناداری تفاوت ضرایب همبستگی به تفکیک جنسیت

همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی	مقایسه ضرایب همبستگی	اندازه z	معناداری
	مقایسه مردان و زنان	۲/۲۷	۰/۰۱۲

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

جدول ۵ نشان می‌دهد ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در مردان به‌طور معناداری بزرگ‌تر از این ضریب در زنان است؛ بنابراین، جنسیت قادر به تعدیل گری ارتباط بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش تعدیل گری سن ازدواج و جنسیت در ارتباط بین عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی انجام گرفت. در رابطه با متغیر سن ازدواج همان‌گونه که جدول ۲ و ۳ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در هر سه گروه معنادار است. این یافته با نتایج پژوهش فهر و همکاران (۲۰۱۰)، فهر (۲۰۱۳)، رایس و همکاران (۲۰۱۴) و فهر و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ضریب همبستگی عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی با سن ازدواج دو سال و کمتر به‌طور معناداری کوچک‌تر است از ضریب همبستگی افرادی که در دسته دوم (۳-۱۴) و افرادی که در دسته سوم (۱۵ سال به بالا) قرارگرفته‌اند، بااین‌وجود، ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در افراد دسته اول با ضریب افرادی که بیش از ۱۵ سال ازدواج‌کرده‌اند، تفاوت معناداری دارد که این نتایج با نتایج پژوهش‌های کلارک و میلز (۱۹۷۹) و برشاید (۲۰۱۰) همسو است. فهر و اسپیریچر (۲۰۰۵) به‌عنوان سازندگان مقیاس عشق دلسوزانه، رابطه‌ی نیرومند این نوع عشق و رضایت زناشویی را تأیید کردند. آن‌ها در تبیین این رابطه، بیان کردند که افرادی دارای عشق دلسوزانه، در مواقع بحران رابطه و احتمال کاهش رضایت زناشویی، باگذشت و ایثارگری خود راهبردهای کارایی را برای حل بحران برمی‌گزینند و رابطه را از خطر بحران نجات می‌دهند (فهر و همکاران، ۲۰۱۴). از طرفی، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در اوایل ازدواج، عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی ارتباط متوسطی دارد اما باگذشت زمان، مخصوصاً بعد از گذشت سال‌های اول ازدواج و افت هیجانات و عواطف عشق رمانتیک، عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی ارتباط بالایی پیدا خواهد کرد، از طرفی نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در افراد باسابقه ۱۵ سال به بالا در ازدواج، به بیشترین حد خود می‌رسد.

طبق بررسی پیشینه پژوهشی روابط زناشویی، سال‌های اول زندگی، سال‌های جولان عشق رمانتیک و هیجانات و عواطف آتشین مرتبط با آن است. درواقع پیشینه نشان می‌دهد که آنچه در ابتدا افراد را کنار یکدیگر به‌عنوان شریک زندگی نگه می‌دارد، عشق رمانتیک است (نتو[1]، ۲۰۱۵؛ هیگینز، ۲۰۲۰). همزمان با افزایش سن ازدواج، با عادی شدن شگفتی‌های شریک زندگی و کاهش میل به هیجانات آتشین، عشق رمانتیک رو به افول می‌رود. در کنار این افول، شناخت عواطف، احساسات، رفتار و عقاید شریک زندگی موجب افزایش تعهد و وفاداری در رابطه می‌گردد. فهر و اسپریچر (۲۰۰۹) برای درک بیشتر مفهوم عشق دلسوزانه، پژوهش-هایی انجام دادند. نتیجه این پژوهش‌ها نشان داد که عشق دلسوزانه یک مفهوم چندبعدی است. اولین بعد این عشق عکس‌العمل‌های احساسی و عاطفی در پاسخ به وضعیت دیگران است؛ به‌عنوان نمونه، غمگین شدن برای رنج دیگری و شاد شدن به خاطر شادی دیگران. بعد دوم، بعد شناخت است، افراد دارای این نوع عشق، باورها و عقاید خاص خود رادارند که محوریت اصلی این باورها، مراقبت از دیگران، نگرانی برای رفاه آن‌ها و ایثارگری است. سومین بعد عشق دلسوزانه، انگیزش است که مربوط به‌صرف نظر کردن

[1] - Neto

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

از خواسته‌های خود و رسیدگی به دیگران است، به‌طوری‌که فرد ممکن است تمام زمان و وقت خود را صرف دیگران کند و برای اهداف و ارزش‌های زندگی شخصی خود، فرصتی نداشته‌باشد. به‌طوری‌که افراد دارای عشق دلسوزانه حتی برای شکوفایی و رسیدن به درجات بالای پیشرفت دیگران نیز تلاش می‌کنند. آخرین بعد عشق دلسوزانه، رفتار است، رفتارهای افراد دارای این نوع عشق از نوع رفتارهای حمایتی و مراقبتی است؛ به‌این معنا که این افراد ایثارگری فراوانی نسبت به دیگران دارند و برای آرامش دادن و کاهش نگرانی آن‌ها تلاش می‌کنند. دسته‌ای از پژوهش‌ها، عشق دلسوزانه را در زوجین مسن بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که در سنین بالا، عشق دلسوزانه منجر به رضایت زناشویی می‌شود. آن‌ها اذعان داشته‌اند که یکی از علل اساسی افزایش رضایت زناشویی بر اثر عشق دلسوزانه در این سن، افت کارکرد یکی از زوجین و کاهش انتظارات نسبت به او است (پینکارت و سورنسن[1]، ۲۰۰۳)؛ بنابراین در چنین شرایطی، داشتن نگرش فداکاری و ایثار که یکی از مشخصه‌های اصلی عشق دلسوزانه است، موجب می‌شود که همسر به‌عنوان یک پرستار بدون احساس افسردگی و استرس از همسرش مراقبت کند و از این کار لذت ببرد، حتی زمانی که نیاز به مراقبت شریک زندگی، تصاعدی است و روز به روز بیشتر می‌شود (رابینسون-ولن و کیکولت-گلاسر[2]، ۱۹۹۷). همسو با مطالب فوق، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان داد که همبستگی عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی، در افراد با طول مدت ازدواج بالاتر از ۱۵ سال، بالاترین حالت ممکن را داراست.

فرضیه بعدی پژوهش حاضر، بررسی نقش تعدیل گر جنسیت در رابطه بین عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مرتبط با این فرضیه طبق جدول ۴ و ۵ نشان داد که ضریب همبستگی عشق دلسوزانه با رضایت زناشویی در مردان به‌طور معناداری بزرگ‌تر از این ضریب در زنان است. این نتایج با نتایج پژوهش جنسن و همکاران (۲۰۱۳) همسو است.

همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد، ویژگی اصلی عشق دلسوزانه مراقبت، نگرانی، دلسوزی و حمایت است؛ این ویژگی در ابتدا صفات زنانگی را در ذهن متبادر می‌سازند (کینگ، متسون، چرینا، شانکار و برومن فوک[3]، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، بر اساس ویژگی های مشخص عشق دلسوزانه، این عشق در زنان بیشتر از مردان رواج دارد (برشاید، ۲۰۱۰). با این حال، نتایج پژوهش جنسن و همکاران (۲۰۱۳) همسو با نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مردانی که عشق دلسوزانه در آن‌ها وجود دارد و صفات مراقبت، نگرانی و دلسوزی در آن‌ها رشد می‌یابد، رضایت بیشتری از رابطه پیدا می‌کنند. آن‌ها بر مبنای نظریه دوجنسیتی بودن روان‌شناختی (یونگ[4]، ۱۹۶۸) رشد بیشتری یافته‌اند و به سمت صفات زنانه حرکت کرده‌اند؛ بنابراین چنین مردانی خود احساس رضایت بیشتری از مراقبت و همدلی عمیق با همسرانشان به دست می‌آورند. درنهایت می‌توان گفت که متغیرهای جنسیت و سن ازدواج به خوبی می‌توان رابطه عشق دلسوزانه و رضایت زناشویی را تعدیل کند. با این حال، بر اساس مطالعه پیشینه پژوهشی، به نظر می‌رسد که متغیرهای بیشتری قادر به تعدیل گری این رابطه هستند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش تعدیل گر متغیرهای روان‌شناختی نیز موردبررسی قرار گیرد.

[1] - Pinquart, & Sörensen
[2] - Robinson-Whelen, & Kiecolt-Glaser
[3] - King, Matheson, Chirina, Shankar, & Broman-Fulks,
[4] - Jung

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

منابع

- آقا محمدی، سمیه. (۱۳۹۵). طراحی و آزمون الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای انواع عشق در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۵ (۴)، ۳۵۸-۳۵۱.
- Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. *Annual Review of Psychology*, *61*, 1-25.
- Clark, M. S., & Mills, J. (1979). Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of personality and social psychology*, *37*(1), 12.
- Fehr, B., Harasymchuk, C., & Gouriluk, J. (2010). Validation of the quadrumvirate model of love. In *Invited paper presented at the Canadian Psychological Association Conference (Social Psychology Faculty Symposium on Romantic Relationships), Winnipeg, MB*.
- Fehr, B., Harasymchuk, C., & Sprecher, S. (2014). Compassionate love in romantic relationships: A review and some new findings. *Journal of Social and Personal Relationships*, *31*(5), 575-600.
- Fehr, B., & Sprecher, S. (2013). Compassionate love: What we know so far. *Positive psychology of love*, 106-120.
- Fehr, B., & Sprecher, S. (2009). Compassionate love: Conceptual, measurement, and relational issues. *The science of compassionate love: Theory, research, and applications*, 27-52.
- Fehr, B. (2013). The social psychology of love. In J. A. Simpson & L. Campbell (Eds.), Handbook of close relationships. New York, NY: Oxford Press. pp. 201–233.
- Jensen, J. F., Rauer, A. J., & Volling, B. (2013). A dyadic view of support in marriage: The critical role of men's support provision. *Sex Roles*, *68*(7-8), 427-438.
- Higgins, S. (2020). *Power of Love Leadership: 7 Proven Strategies to Drive Success, Maximise Results and Inspire Compassion and Trust*. SRA Books.
- King, D. E., Matheson, E., Chirina, S., Shankar, A., & Broman-Fulks, J. (2013). The status of baby boomers' health in the United States: the healthiest generation?. *JAMA internal medicine*, *173*(5), 385-386.
- Neto, F. (2015). Revisiting correlates of sociosexuality for men and women: The role of love relationships and psychological maladjustment. *Personality and Individual Differences*, *83*, 106-110.
- Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2005). THEORY:" Sacred Matters: Sanctification as a Vital Topic for the Psychology of Religion". *The International Journal for the Psychology of Religion*, *15*(3), 179-198.
- Pinquart, M., & Sörensen, S. (2003). Differences between caregivers and noncaregivers in psychological health and physical health: a meta-analysis. *Psychology and aging*, *18*(2), 250.
- Reis, H. T. (2010). Everyday acts of compassionate love in dyadic context. *Paper presented at the Fetzer Institute, Kalamazoo,* 23 (2), 86-94.
- Reis, H. T., Maniaci, M. R., & Rogge, R. D. (2014). The expression of compassionate love in everyday compassionate acts. *Journal of Social and Personal Relationships*, *31*(5), 651-676.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]

- Roberts, L. J., Wise, M., & DuBenske, L. L. (2009). Compassionate family caregiving in the light and shadow of death. *The science of compassionate love: Theory, research, and applications*, 311-344.
- Robinson-Whelen, S., & Kiecolt-Glaser, J. (1997). Spousal caregiving: does it matter if you have a choice?. *Journal of Clinical Geropsychology*, *3*, 283-290.
- Sprecher, S., & Fehr, B. (2005). Compassionate love for close others and humanity. *Journal of Social and Personal Relationships*, *22*(5), 629-651.
- Stafford, L. (2016). Marital sanctity, relationship maintenance, and marital quality. *Journal of Family Issues*, *37*(1), 119-131.
- Stafford, L., David, P., & McPherson, S. (2014). Sanctity of marriage and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, *31*(1), 54-70.
- Taylor, S. (2006). Tend and befriend: Biobehavioral bases of affiliation under stress. *Current Directions in Psychological Science*, 15, 273–277.
- Underwood, L. G. (2009). Compassionate love: A framework for research. *The science of compassionate love: Theory, research, and applications*, 3-25.
- Weir, L. (2020). *Love is Green: Compassion as responsibility in the ecological emergency*. Vernon Press.
- Jung, C. G., & Von Franz, M. L. (1968). *Man and his symbols*. Laurel.

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-14]